

روان‌شناسی سیاسی

موقعیت‌ها، افراد و مصادیق

مؤلف

دیه‌مد پاتریک هاوتن

مترجم:

دکتر علی‌اشرف نظری

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

شهرزاد مفتوح

کارشناس ارشد مطالعات بین‌المللی



سرشناسه	: هاوتن، دیوید پاتریک	Houghton, David Patrick
عنوان و نام پدیدآور	: روان‌شناسی سیاسی: موقعیت‌ها، افراد و مصادیق، مؤلف دیوید پاتریک هاوتن؛ مترجمان علی‌اشرف نظری، شهرزاد مفتوح.	
مشخصات نشر	: تهران: قومس، ۱۳۹۳.	
مشخصات ظاهری	: ۲۸۴ ص. : مصور، جدول، نمودار.	
شابک	: 978-964-8811-48-3	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.		
یادداشت	: عنوان اصلی:	Political Psychology: Situations, Individuals and Cases, © 2009
یادداشت	: کتابنامه.	
یادداشت	: نمایه.	
موضوع	: روان‌شناسی سیاسی.	
شناسه افزوده	: نظری، علی‌اشرف، ۱۳۵۸-، مترجم.	
شناسه افزوده	: مفتوح، شهرزاد، ۱۳۵۷-، مترجم.	
بندی کنگره	: JA۳۱۹ / ۹۹۱۳۹۱	
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۰/۰۱۹	
شماره کتابخانه	: ۲۸۱۸۴۹۴	



★ نام کتاب: روان‌شناسی سیاسی (موقعیت‌ها، افراد و مصادیق)

✱ مؤلف: دیوید پاتریک هاوتن

✱ مترجمان: دکتر علی‌اشرف نظری، شهرزاد مفتوح

✱ طراح جلد: محدثه موسوی

✱ حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

✱ نوبت چاپ: اول

✱ سال چاپ: ۱۳۹۳

✱ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

✱ قیمت: ۱۶/۰۰۰ تومان

✱ چاپ: ایران مصور

✱ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۴۸-۳

✱ ناشر: نشر قومس، تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

پایین‌تر از چهارراه لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱

✱ تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۹۳۲۷۹۷ - ۶۶۹۱۳۱۵۵

✱ صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۳۹۱

✱ نشانی اینترنتی: www.ghoomes.com

فهرست

۹.....	□ مقدمه ترجمه
۱۷.....	□ مقدمه

۲۱.....	فصل نخست: اصول مفهومی کتاب
۲۱.....	مقدمه
۲۴.....	رفتار سیاسی چیست؟
۲۴.....	چه چیزی بر رفتار ما تأثیر می‌گذارد؟
۲۸.....	ساختار کتاب
۳۲.....	اهمیت موقعیت
۳۷.....	اهمیت خلیقیات

۴۱.....	فصل دوم: تاریخچه مختصری از رشته روان‌شناسی سیاسی
۴۱.....	مقدمه
۴۵.....	مطالعات شخصیت
۴۷.....	نگرش‌ها و رفتار انتخاباتی
۴۹.....	باورهای سیاسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و تصمیم‌گیری
۵۰.....	انسان اقتصادی و انسان روان‌شناختی
۵۲.....	نتیجه‌گیری

بخش نخست: موقعیت

۵۴.....	فصل سوم: رفتارگرایی و آزادی انسان
۵۴.....	مقدمه
۵۵.....	شرطی‌سازی

۶۱	ارزیابی رفتارگرایی
۶۱	نتیجه‌گیری

۶۳ فصل چهارم: روان‌شناسی فرمانبرداری

۶۳	مقدمه
۶۳	شخصیت اقتدارطلب
۶۴	آزمایشات میلگرام
۶۷	ابتدال شرطی
۶۸	چرا اطاعت می‌کنیم: گرایش به سوی خلق‌گرایی
۶۹	۳۵ درصد فرمان
۶۹	ارزیابی مدل فرمانبرداری میلگرام
۷۳	نتیجه‌گیری

۷۴ فصل پنجم: ایجاد «وضعیت سیاسی»

۷۴	مقدمه
۷۵	آزمایش استنفورد
۷۹	رسوایی زندان ابو‌غریب: تغییر «چارچوب» کال‌دین
۸۳	نتیجه‌گیری

۸۵ فصل ششم: تصمیم‌گیری گروهی

۸۵	مقدمه
۸۸	مخاطرات هم‌نوایی گروهی: تصمیمات بی‌معنی افراد باهوش
۸۹	مورد اول: خلیج خوک‌ها
۹۲	مورد دوم: اوج‌گیری جنگ ویتنام
۹۴	نقد دیدگاه جنیس
۹۶	سندروم گروه جدید
۹۷	فرد در محیط گروه
۹۷	نتیجه‌گیری

بخش دوم: فرد

۱۰۰ فصل هفتم: بیوگرافی روان‌شناختی

۱۰۰	مقدمه
۱۰۱	تأثیر سازنده زیگموند فروید

تأثیر سازنده هارولد لاسول.....	۱۰۳
عملکرد نامناسب دوران کودکی وودرو ویلسون.....	۱۰۳
پیچیدگی شخصیتی لیندون جانسون.....	۱۰۵
بیوگرافی روان‌شناختی تطبیقی.....	۱۰۷
زوال بیوگرافی روان‌شناختی؟.....	۱۱۲
مشکلات کلی رهیافت‌های بیوگرافی روان‌شناختی.....	۱۱۳
نتیجه‌گیری.....	۱۱۵

فصل هشت: شخصیت و باورها ۱۱۶

مقدمه: تحلیل شخصیت.....	۱۱۶
تحلیل نظام‌های باور.....	۱۱۹
آل هالستی، نظام‌های باور و وزارت ملی.....	۱۲۱
تحلیل کد عملیاتی.....	۱۲۳
۱. باورهای فلسفی.....	۱۲۳
۳. باورهای ابزاری.....	۱۲۴
نتیجه‌گیری.....	۱۲۷

فصل نهم: شناخت و نقش آن در کنش سیاسی ۱۲۸

مقدمه.....	۱۲۸
نظریه همسانی‌شناختی.....	۱۳۰
نظریه اسناد.....	۱۳۲
نظریه طرحواره.....	۱۳۴
استدلال قیاسی.....	۱۳۹
نتیجه‌گیری: تنوع در مفاهیم هم‌ارز.....	۱۴۳

فصل دهم: عاطفه و هیجان و بازتاب آن در رفتار افراد ۱۴۶

مقدمه.....	۱۴۶
آیا ابزاز هیجانات کاری غیر منطقی است؟.....	۱۴۸
نظریه هوش عاطفی.....	۱۵۲
نظریه استدلال برانگیخته‌شده.....	۱۵۲
چگونه شناخت فعال و منفعل با یکدیگر پیوند می‌خورند؟.....	۱۵۳
آلار منفی هیجانات.....	۱۵۵
آیا می‌توان هیجانات را اندازه‌گیری کرد؟.....	۱۵۵
نتیجه‌گیری.....	۱۵۶

فصل یازدهم: علم عصب‌شناسی _____ ۱۵۷

۱۵۷	مقدمه
۱۶۰	اصول مقدماتی در مورد مغز انسان
۱۶۲	احتمال تصویربرداری MRI
۱۶۴	احتمال EEG (الکتروانسفالوگرافی)
۱۶۵	محدودیت‌ها و احتمال سوء استفاده
۱۶۶	موقعیت‌گرایی در برابر خلق‌گرایی
۱۶۸	نتیجه‌گیری

بخش سوم: ترکیب دو دیدگاه خلق‌گرا و موقعیت‌گرا

فصل دوازدهم: روان‌شناسی رفتار انتخاباتی _____ ۱۷۰

۱۷۰	مقدمه
۱۷۰	از موقعیت‌گرایی به خلق‌گرایی
۱۷۳	ظهور رأی‌گیری براساس مدل روح‌شده و انسان اقتصادی
۱۷۶	تأثیر شناخت منفعل و فعال
۱۷۸	چگونه تصمیم می‌گیریم به چه کسی رأی دهیم؟
۱۸۱	نتیجه‌گیری: آینده تحقیقات انتخاباتی

فصل سیزدهم: روان‌شناسی ناسیونالیسم، منافع‌های قومی و نسل‌کشی _____ ۱۸۲

۱۸۲	مقدمه
۱۸۴	پنج رهیافت برای توضیح ناسیونالیسم
۱۸۴	نظریه منازعه گروهی واقع‌گرایانه
۱۸۵	نظریه هویت اجتماعی
۱۸۸	نظریه سلطه اجتماعی
۱۸۹	رهیافت روان‌کاوانه
۱۹۰	رهیافت زیست‌سیاست
۱۹۲	روانشناسی نسل‌کشی
۱۹۶	نتیجه‌گیری

فصل چهاردهم: روان‌شناسی نژادپرستی و عدم مدارای سیاسی _____ ۱۹۸

۱۹۸	مقدمه
۱۹۹	چه چیزی نژادپرستی را تبیین می‌کند؟

۱۹۹	نظریه شخصیت اقتدار طلب
۲۰۱	نظریه سلطه اجتماعی
۲۰۲	نظریه طرحواره / کلیشه سازی
۲۰۵	رهیافت های عاطفی
۲۰۸	نظریه های موقعیت گرا
۲۱۰	آیا آمریکایی ها هنوز نژادپرست هستند؟
۲۱۰	نژادپرستی نمادین یا نژادپرستی نوین
۲۱۱	محافظه کاری اصولی
۲۱۱	مدار او عدم مدار
۲۱۵	نتیجه گیری

۲۱۶	فصل پانزدهم: روان شناسی تروریسم
۲۱۶	مقدمه
۲۱۷	تروریسم چیست؟
۲۱۷	نظریه ناامیدی - پرخاشگری
۲۱۸	نظریه خودشیفتگی - پرخاشگری
۲۱۰	ارزیابی روان کاوانه / فرویدی
۲۲۰	مشکلات این نظریه ها
۲۲۲	عوامل موقعیت گرا
۲۲۵	مدله فرایند محور هورگان
۲۲۶	«معصای» عملیات تروریستی انتحاری
۲۳۱	نتیجه گیری

۲۳۲	فصل شانزدهم: روان شناسی روابط بین الملل
۲۳۲	مقدمه
۲۳۳	موقعیت گرایی نظریه روابط بین الملل
۲۳۶	برداشت اشتباه، منفعل و فعال
۲۳۸	برخی ابداعات جدید
۲۳۸	روان شناسی تولید و تکثیر سلاح های هسته ای
۲۴۰	روان شناسی خطر پذیری
۲۴۲	روان شناسی بازدارندگی
۲۴۴	همدلی: راه حل خطای انتساب و سایر موارد
۲۴۶	نتیجه گیری

۱۴۷	فصل هفدهم: نتیجه‌گیری
۱۴۷	برداشت شخصی
۱۴۷	بررسی مجدد موقعیت‌گرایی در برابر خلق‌گرایی
۲۵۶	کتابنامه
۲۸۰	فهرست اعلام

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

دانش سیاسی حوزه‌ای از آگاهی است که پیرامون رفتار فردی و جمعی انسان‌ها، و نحوه تعامل آنها با یکدیگر به دست می‌آید. هدف اصلی این حوزه، فراهم آوردن بنیان‌های نظری و عملی لازم جهت توصیف، تبیین و پیش‌بینی «رفتار» و «کنش» انسانی در دو عرصه خصوصی و عمومی است. فهم زمینه‌ها و عواملی که موجب تشدید، تحدید یا به تعویق افتادن ادراک، احساس یا کنشی خاص در متن زندگی اجتماعی می‌شود، مسأله محوری این حوزه از دانش اجتماعی است. از این‌رو دانش سیاسی جهت فهم انسان‌ها چگونه می‌اندیشند، احساس می‌کنند، و به گونه‌ای خاص رفتار می‌نمایند؛ به نحو اجتناب‌ناپذیر در پیوند با روان‌شناسی قرار می‌گیرد.

در طول دو دهه‌ی گذشته، روان‌شناسی سیاسی^۱ محوریت این بحث که چگونه می‌توان درباره ارتباط و تعامل سیاست و روان‌شناسی سخن گفت، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. درواقع، روان‌شناسی سیاسی دارای ماهیتی بنیادین است که گرچه چارچوب زبانی آن بیشتر مرتبط با حوزه روان‌شناسی است؛ اما ساختار و جهت‌گیری کلی آن در ارتباط با آن چیزی است که وسعۀ روان‌شناختی سیاست نامیده می‌شود. جهت‌گیری تئوریک روان‌شناسی سیاسی مرتبط با نقش‌ها و فرایندهای روان‌شناختی افراد و گروه‌ها، و تأثیرگذاری ساختارهای فکری، تحول و دگرگونی ساختارهای سیاسی، تعاملات و فرایندهای سیاسی است (Deutsch & Klenz, 2002:23).

این امر بیانگر آن است که دانش سیاسی برای فهم دقیق رفتار فردی و جمعی انسان‌ها نیازمند آن است که به طور تخصصی و نظام‌مند می‌بایست به تدوین زیرشاخه‌های تأثیر روان‌شناسی سیاسی همت گمارد. تمهید زمینه‌هایی که بتواند زمینه‌های ادراکی لازم را برای تبیین این‌که «مردم چه می‌گویند» و «چه عملی را انجام می‌دهند»، فراهم آورد نوعی فضای شناختی که بتواند تشابهات و تفاوت‌های رفتاری و تعبیّرات عرضه‌شده را در ارتباط با آنچه گفته می‌شود و آنچه در عمل فعلیت می‌یابد، دریابد و بتواند ضمن تحلیل «ذهن»، «شخصیت»، «ساختار شناختی»، «تصور از خود»، «انگیزه‌ها و سوانق»، «احساس» و «رفتار»؛ اهتمامی ویژه به فهم زمینه‌های محیطی تصمیم‌گیری و کنش سیاسی داشته باشد.

بی‌تردید روان‌شناسی سیاسی به عنوان شاخه‌ای از روان‌شناسی اجتماعی، علم سیاست را به داده‌های ارزشمندی مجهز و سیاست‌شناس را به بررسی رفتار سیاسی تشویق می‌نماید. ما را از بخش هشیار / ناهشیار، و عوامل منطقی و غیر منطقی رفتار بشر آگاه می‌سازد و آشکار می‌کند که انسان‌ها متأثر از چه عواملی رفتار می‌کنند پژوهشگران سیاسی به کمک روان‌شناسی سیاسی، افکار عمومی و رفتارهای انتخاباتی را بررسی می‌کنند، نوسانات احتمالی را در انتخابات آینده پیش‌بینی می‌کنند، واکنش‌های احتمالی شهروندان را در قبال مسأله‌ای خاص برآورد می‌کنند، می‌توانند درباره احتمال موفقیت یا شکست طرح‌های سیاسی که به اجرا گذاشته می‌شوند، نظر بدهند؛ و به طور کلی شناختی مؤثر از درون جامعه در اختیار سیاست‌گذاران بگذارند (ر.ک: آشتیانی، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۶).

روان‌شناسی سیاسی، رسالت فهم رفتارهای فردی و جمعی در متن زندگی سیاسی را بر عهده دارند. این حوزه، درصدد فهم و تحلیل زمینه‌های شخصیتی و محیطی و تأثیر و تأثرات هریک از آنها در بروز یا به تعویق انداختن رفتاری خاص در انسان‌ها و امکان پیش‌بینی رفتارهای احتمالی در آینده هستند. درواقع، اختیاری آن در ارتباط با آن چیزی است که وجوه روان‌شناختی سیاست‌نامه می‌شود و حامل بررسی خاص برای فهم موضوعات اصلی علوم سیاسی است (McGuire, 1993). فهم روندهای کلی حاکم بر رفتارهای ارادی (آگاهانه یا برنامه‌ریزی‌شده) و رفتارهای بازتابی (واکنشی و ناخودآگاه)، محور اصلی مورد مطالعه در این حوزه از دانش است.

این حوزه از دانش می‌کوشد با تعامل سطوح خرد (تحلیل فردی) و کلان (بعد اجتماعی)، به ترتیب مسائلی نظیر ابعاد زیست‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در فهم کنش‌های فعلیت‌یافته مورد توجه قرار دهد. در این چارچوب، روان‌شناسی سیاسی «علم بررسی نحوه تعامل پدیده‌های روان‌شناختی سیاسی و یک شخص (گروه) خاص در زمان، مکان، نظام و فرهنگ سیاسی خاص» است (هرمن، ۱۳۸۵: ۱).

روان‌شناسی سیاسی نظریه‌ها، روش‌ها و ابزارهای پژوهش را به گونه‌ای گردآوری می‌کند تا دریابد که نخبگان سیاسی و توده‌های مردم چرا و چگونه چنین احکامی می‌کنند، می‌اندیشند، رفتار می‌کنند و بر پایه تصورات و ادراکاتی که دارند، فرایندهای سیاسی را شکل می‌دهند. به تعبیر بهتر، روان‌شناسی سیاسی رشته‌ای جامع با عناصر فلسفی، تجربی، تحلیلی و خنثی است که ضرورت فهم سازوکارهای علّی رفتار و کنش را متأثر از متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی، ... مورد تأکید قرار می‌دهد. روان‌شناسان سیاسی بر این باورند که «سویز درست از انسان به عنوان بازیگری سیاسی در صورتی ترسیم می‌شود که فرض شود افراد برطبق خصوصیات شخصی، ارزش‌ها، باورها، وابستگی خود به گروه‌ها به انجام دادن کاری برانگیخته می‌شوند» (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۸).

روان‌شناسی سیاسی به بررسی زمینه‌ها و فرایندهای فکری، روان‌شناختی، انگیزه‌ها و هیجانات و تأثیر آن بر سیاست، زندگی سیاسی، رفتارهای سیاسی، و نگرش‌ها و ادراکات سیاستمداران و بازیگران سیاسی می‌پردازد. درواقع روان‌شناسی سیاسی عمدتاً بر فهم فرایندهای روان‌شناختی

و مدرس گرفتن از تجارب سیاسی گذشته و حال فراهم آورده (Grass Stein, 1989).

با آن چیزی است که درباره ساختن سیاست نامیده می شود.

نحوی نظام مند در ارتباط با شواهد و افکار تولید عمل می کنند.

تاریخچه پروان شناسی سیاسی

نظام‌مند جهت فهم فرایندهای سیاسی از موضوعی روان‌شناختی فراهم آورد (Deutsch, 2002: 15).

نخستین ارتباط مؤثر میان روانشناسی و علم سیاست در ایالات متحده و در دانشگاه شیکاگو

1. Bidirectional 2. subject-matter

روشنه‌هایی از تحلیل روان‌شناختی در سیاست است.

در چارچوب فعالیت‌های علمی و مؤثر «چارلز مریام» با نگارش دو کتاب «وجه جدید سیاست»^۱، «قدرت سیاسی»^۲ ایجاد شد. «هارولد لاسول» یکی از شاگردان مریام که بسیار مورد توجه وی نیز بود، بعدها به واسطه مطالعات عمیق‌اش در این حوزه به عنوان «پدر روان‌شناسی سیاسی» در امریکا معرفی شد (Deutsch & Kinnvall, 2002: 15). حوزه اصلی مورد تأکید لاسول در نوشته‌های او، توجه به تأثیر فرایندهای روان‌شناختی بر فرایندهای سیاسی بود که در شکل دادن به دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان امریکایی در حوزه روان‌شناسی سیاسی مؤثر بود. آثار اصلی او با عنوان «روان‌شناسی و سیاست» (۱۹۳۰)، «سیاست‌های جهانی و ناامنی فردی» (۱۹۳۵)، «سیاست: چه کسی به چیزی را می‌برد، کی و چگونه؟» (۱۹۳۶)، «قدرت و شخصیت» (۱۹۴۸) به ایجاد چشم‌انداز روان‌شناختی متمایزی جهت درک رفتارهای سیاسی، سیاست و سیاستمداران فراهم آورد. این چشم‌انداز موجب شد که روان‌شناسی سیاسی عمدتاً بر فرایندهای فردی و جمعی نظیر انگیزه‌ها، ادراکات، شناخت، یادگیری، نحوه نگرش، جامعه‌پذیری، پویایی‌های گروه به عنوان مؤلفه‌های علی-سببی بر رفتار سیاسی تأکید نماید.

یکی دیگر از پیشگامان روان‌شناسی سیاسی، «گراهام والاس»^۳ است. وی بر این باور بود که فهم رویدادهای سیاسی بدون مطالعه ابعاد روان‌شناختی آنها که چنین رویدادهایی را رقم زده است، امکان‌پذیر نیست. او در کتاب خود «ماهیت انسان در سیاست» تلاش نمود تا با به چالش کشیدن دیدگاه‌هایی که رفتار انسان را صرفاً بر پایه دیدگاه‌های آگاهی تبیین می‌نمود، این فرض را مطرح نماید که کنش انسانی متأثر از منظومه‌ای از عوامل پدید آمده روان‌پدید شده است که می‌بایست از طریق آموزش سیاسی، اعمال کنترل مؤثر بر رفتار انسان‌ها را آموزش داد (Jost and Sidanus, 2004: 3).

تأکید جدی بر فهم فرایندهای روان‌شناختی به عنوان تعیین‌کننده فرایندهای سیاسی در امریکا موجب شد که با سيطرة تک‌بعدی‌نگری، نوعی ناآگاهی نسبت به ریشه‌ها و مطالعه تأثیر متقابل فرایندهای سیاسی بر فرایندهای روان‌شناختی شکل بگیرد. به رغم تأثیرات روان‌شناسی اروپا از امریکا، تأثیر فزاینده چشم‌انداز مارکسیستی در اروپا، آگاهی بیشتری را درباره نقش فرایندهای سیاسی در شکل دادن به فرایندهای روان‌شناختی ایجاد نمود. از این رو، اعضای سبک فرانکفورت نظیر تئودور آدورنو، ماکس هورکهایمر، اریش فروم، هانا آرنت، و یورگن هابرماس تلاش گسترده‌ای را برای پیوند دادن جهت‌گیری‌های سیاسی-اقتصادی نظریه مارکسیستی با چشم‌انداز روان‌شناختی در نظریه فروید به عمل آوردند. به طور اخص آنها در صدد ایجاد کناکش میان دیدگی اقتصادی جامعه، رشد و تحول روانی افراد و تحول در حوزه فرهنگ برآمدند (Held, 1980).

ویلیام کورنهاوزر، ویلهلم رایش، میشل فوکو، آنتونی گیدنز، اولریش بک، پی‌یر بوردیو و زیگموند باومن از دیگر پژوهشگران این حوزه نیز تلاش نموده‌اند تا نحوه تأثیرگذاری فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر افراد دریابند. گیدنز در بسط «نظریه ساخت‌مندی»^۴، همانند

جامعه‌شناسان متقدم نظیر بورديو و باومن از این موضع به بحث می‌نگرد که فرد و جامعه دو پیکره درهم‌تنیده‌اند و نمی‌توان آنها را به عنوان پدیده‌هایی مجزا از هم تحلیل نمود (Giddens, 1984). تأثیر جامعه‌شناسی بر روان‌شناسی دیدگاه‌های متفاوتی را مرتبط با حوزه‌های فرهنگ سیاسی (آلموند و وربا، پیای و اینگلهارت)، جامعه‌پذیری سیاسی (رنشان، یرلمان، و ویلسون)، و آموزش (گودیکانست، زیگل، پرمو و لوی) به وجود آورده است.

به طور کلی، تحقیق و پژوهش گسترده در حوزه روانشناسی و رفتارشناسی سیاسی در دهه ۱۹۶۰ متأثر از انقلاب رفتاری وارد مرحله جدیدی شد. در این مقطع پژوهشگران درصدد برآمدند تا با تأکید بر عین‌نگری، تحلیل تُخرد، مشاهده‌محور و تجربی به ارزیابی رفتاری پیچیده انسان بپردازند. بر پایه دیدگاه‌های غالبی برای تخصصی شدن این حوزه ترسیم نمایند. بر این اساس، پژوهش‌ها گسترده‌ای در مجلات علمی و کتب پایه^۱ انتشار یافت.

به طور کلی موضوعات حوزه‌ها و محورهای مطالعاتی روان‌شناسی سیاسی را چنین برشمرد:

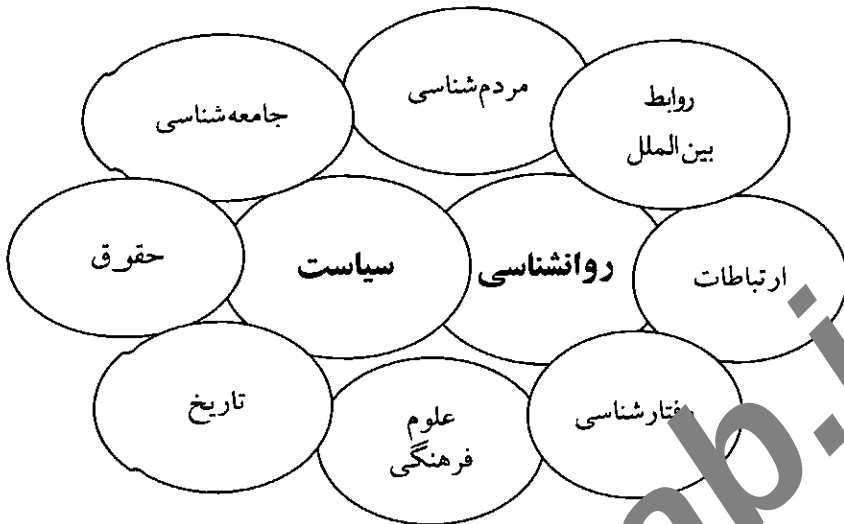
- منابع روان‌شناسی رفتار سیاسی
- آموزش سیاسی، سبک‌های شناخت، دیدگاه‌ها و منظومه پنداشت‌ها
- ادراک و قضاوت سیاسی، راه‌های پناه‌طلبی و تعصب سیاسی
- دلایل و زمینه‌های تصمیم‌گیری، چالش‌ها و آسیب‌ها
- شخصیت و سیاست: بررسی دیدگاه‌ها، نظریه‌های تلقی‌های رهبران سیاسی و مردم
- هویت فردی و اجتماعی (زمینه‌های ناسیونالیسم، قومیت و نژادی رفتار سیاسی)
- روابط بین گروه‌ها و احزاب سیاسی
- رقابت‌ها، منازعات و همکاری‌های اجتماعی
- رفتارشناسی انتخابات
- رسانه‌های جمعی، ایدئولوژی، افکار عمومی و آگاهی‌یابی سیاسی
- منازعات و خشونت‌های سیاسی (ریشه‌های روانی افراط‌گرایی، تروریسم، نسل‌کشی^۳، ...)

• زمینه‌های روانی-اجتماعی اطاعت، انقیاد، اعتراض و دگرگونی سیاسی

برخی بر این باورند حوزه روان‌شناسی و رفتارشناسی سیاسی یادآور دهه‌های ۱۹۵۰ است که متأثر از نظریه رفتارگرایی همه سطوح علوم سیاسی در ورطه سنجش کمی رفتار انسانی افتاده بود. این طیف براساس این سوء تفاهم که «رفتارگرایی مرده است»، ما را دعوت به نادیده گرفتن چنین حوزه‌ای می‌نمایند. این باور از آن‌جایی نادرست است که؛

اولاً، بسیاری از حوزه‌های مورد مطالعه در علوم سیاسی توانسته‌اند با رهایی از روش‌های منسوخ‌شده^۴ و بازنگری روش‌شناختی ادراک جامع‌تری از رفتارهای انسانی داشته باشند.

حوزه‌های مرتبط با روانشناسی سیاسی



ثانیاً، اهمیت‌یابی مناسب حوزه روانشناسی سیاسی و تدریس آن در اکثر دانشگاه‌های معتبر بیانگر آن است که این حوزه مطالعات انستته است با بهره‌گیری مؤثر از روش‌های کمی و کیفی در تحلیل رفتارهای سیاسی افق‌ها را پیش روی پژوهشگران بگشاید. ثالثاً، از آنجایی که این حوزه مفصلی به بسیاری بینارشته‌ای در ارتباط با موضوعات محوری حوزه‌های مختلف علمی است، ظرفیت‌های مفصلی را برای جامع‌نگری فراهم می‌آورد.

از این رو، روانشناسی سیاسی می‌بایست در ارتباط با روش‌شناسی مورد تحلیل قرار گیرد، باید مرتبط با بسط تلاش‌های محوری برای ارزیابی و اعتبار‌یابی و روایی فرایندهای جمع‌آوری داده‌ها و ارزیابی اعتبار شواهد برای آزمون فرضیه‌ها مورد توجه قرار گیرد. هرچند به کارگیری روش علمی در این حوزه به واسطه گستردگی آن که مسائلی مانند ارزش‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را دربر می‌گیرد، دشواری می‌تواند قطعی و موفقیت‌آمیز باشد. آنچه بیش از پیش موجب بغرنج شدن حوزه روانشناسی سیاسی می‌شود، مواضع ارزشی، جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و دیدگاه‌های سیاسی اقتصادی است که در تحلیل رفتارهای معنادار و متعامل انسانی اتخاذ می‌شود. این واقعیتی بدیهی که کنش انسانی ریشه در چارچوب‌های ارتباطی و زمینه‌های متمایز و متفاوت تاریخی دارد (Giddens, 1984). بنابراین برچسب‌های تکنیکی نظیر علمی‌نگری، خالی از ارزش بودن، کمی‌گرایی و مفاهیمی از این دست در قالب علم‌گرایی پوزیتیویستی نیز به غامض شدن هرچه بیشتر این مسأله دامن می‌زنند. این مشکلات موجب می‌شود بسیاری از روان‌شناسان سیاسی به سوی نوعی «فرصت‌طلبی روش‌شناختی»^۱ گرایش یابند و در تحلیل‌های خود از مصاحبه نظام‌مند، روش‌های پرسش‌نامه‌ای، تحلیل رفتار عینی،

تکنیک‌های تصویری، تجربیات گروه‌های اجتماعی، مشاهدات کنترل‌شده، تحلیل داده‌های ثبت‌شده بهره‌گیرند و آن‌را در رابطه با مسأله مورد تحقیق انطباق دهند (Deutsch and Kinnval: 18-19).
نظر به وجوه کاربردی دانش روان‌شناسی، از این حوزه به عنوان «دانش کاربردی»^۱ یاد می‌شود. روان‌شناسی سیاسی فضای جدیدی در علوم سیاسی ایجاد می‌نماید که به واسطه آن می‌توان به فهم بسیاری از وجوه رفتارهای سیاسی نائل شد. این مسأله می‌تواند موجب اهتمام بیشتری برای کاربردی نمودن وجود و حوزه‌های علوم سیاسی با بهره‌گیری از چشم‌اندازها و نگرش‌های روان‌شناختی شود. خوشبختانه در سال‌های اخیر به واسطه تحولی که در ساختار آموزشی علوم سیاسی رخ داده است، این درس در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود.

پشتوانه اصلی این کتاب، رساله دکتری سرکار خانم شهرزاد مفتوح و مشاوره علمی آقای دکتر علی صاحبی - استادیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه NSW استرالیا - در ارائه برخی برابری‌های فارسی شایسته قدردانی است. آقایان - سید یون الهی - مدیر فرهیخته نشر قومس - و آقای مهدی عباسی سهمی ارزنده در چاپ و انتشار این اثر داشته‌اند که از ایشان و همکاران نیز قدردانی می‌شود. از خوانندگان عزیز تقاضا می‌گردد تا در برابرها و دیدگاه‌های پیشنهادی خود را با مترجمان در میان بگذارند.

علی اشرف نظری، استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
nazarian2004@yahoo.com

منابع

- اسپیرو، هربرت (۱۳۸۵). *توتالیتاریسم*. ترجمه هادی زرری. تهران: نشر شیرازه.
استوارت هیوز، ه. (۱۳۷۸). *هجرت اندیشه اجتماعی*. ترجمه مرتضی فولادوند. چاپ دوم. تهران: طرح نو.
اودانیک، والتر (۱۳۷۹). *یونگ و سیاست*. ترجمه علیرضا طریقی. تهران: نشر نی.
برکوویتز، لئونارد (۱۳۸۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محمدعلی فیضیاد، عباس محمدی اصل. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
تاجیک، محمدرضا، «روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۷۹.
ثریا، سیدمهدی (۱۳۸۴). *فرهنگ و شخصیت*. تهران: انتشارات قصیده‌سرا.
حاجیان، ابراهیم. «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». در: *مجله علمی-پژوهشی (به کوشش)*. درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی، ۱۳۸۴.
فتحی آشتیانی، علی (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
کاتم، مارتا؛ اولر، بت دیتز؛ مسترز، الن؛ پرستون، توماس (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*. ترجمه کمال خرازی و جواد علاقه‌مند راد. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
مصفا، نسرين (۱۳۸۶). *سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (نقش*

عوامل تأثیرگذار سطح کلان). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 نیکسون، ریچارد (۱۳۷۱). رهبران. ترجمه کاظم عمادی. چاپ سوم. تهران: انتشارات عطایی.
 هرمن، مارگارت جی (۱۳۸۵). روان‌شناسی سیاسی: مسائل و موضوع‌های معاصر. ترجمه مجتبی تمدنی.
 تهران: انتشارات آتی.

1. Deutsch, Morton. and Kinnvall, Catrina. What is political psychology? In: Renwick Monroe, Kristen. (Ed). (20۰۲). *Political psychology*. London: Lawrence.
2. Freud, Sigmund. *Group Psychology and the Analysis of the Ego*. The Standard Edition. Vol. XVIII. London. Vintage. 2001.
3. Giddens, Anthony. (1984). *The Constitution of Society*. Berkeley: University of California Press.
4. Grass Stein, Jarnice (1989). *Getting to the table: The processes of International Prenegotiation*. Baltimore, MD: John Hopkins University.
5. Greenstein, F. I. (1969). *Personality and Politics*. Chicago: Markham Publishing Company.
6. Held, David (1980). *Introduction to critical theory: Horkheimer to Habermas*. Berkeley, CA: University of California Press.
7. Hudson, V. (Ed) (19 97). *Culture and foreign policy*. Boulder, CO: Lynne-Rienner.
8. Janis, I. L. (1982). *Groupthink: Psychological studies of policy decisions and fiascos*. Boston: Houghton Mifflin.
9. Jervis, R. (1997). *System Effects: complexity in political and social life*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
10. John T. Jost and Jim Sidanus. (2004) *Political psychology*. New York: Psychology Press.
11. Kaarbo, J., Beasley, R. K. (1999). A Practical guide to the comparative case study method in Political Psychology, 20, 369-383.
12. Lendoux, Stephen E. (20۰6). Introduction to the Origins, Status, and mission of Behaviorology. *Behavior Today*. Vol. 12, No. 2, Fall: 27(27-41).
13. McGuire, William L. (19۰3). *Exploration in political psychology*. Durham: Duke University Press.
14. Ross, L. and Nisbett, R. E. (1991). *The Person and the Situation: Perspective of social psychology*. Philadelphia: Temple University Press.

مقدمه

تا جایی که به خاطر دارم همواره به درک علل رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علاقه‌مند بوده‌ام و مدت‌ها طبع کشش را متوجه شوم آنچه پیش‌تر به آن علاقه داشتم نام رشته‌ای دانشگاهی به نام «روانشناسی سیاسی» است. درواقع، زمانی که بعد از کسب مدرک کارشناسی به ایالات متحده رفتم متوجه شدم که مجال برای چیزی هستم. من با سیستم دانشگاهی انگلیسی بار آمده بودم و به خاطر نمی‌آورم که در زمان تحصیل در دوره کارشناسی خود در دانشگاه شفیلد درباره روانشناسی سیاسی چیزی شنیده باشم (هرچند اکنون سطح گسترده‌ای در بریتانیا تدریس می‌شود). تحصیلات خود را در رشته اقتصاد ادامه دادم با این امید که بتوانم چیزی در مورد دلایل رفتار اقتصادی انسان یاد بگیرم. و با ناامیدی متوجه شدم که بسیاری از اقتصاددانان برآرد گوناگونی را در مورد رفتار بشر مسلم و «مفروض» می‌دانند و سپس از این فرضیات برای استنتاج الگوهای گوناگون بهره می‌گیرند.

لطفه‌ای قدیمی در مورد یک مهندس، یک کشیش و یک اقتصاددان نقل می‌شود که در گودالی بسیار عمیق افتاده بودند. طبیعی است که آن‌ها در مورد چه چیزی بیرون آمدن از این مخمصه با یکدیگر بحث و پس از مدتی تأمل، هریک پیشنهادی را مطرح کردند. مهندس می‌گوید «بیایید با رفتن روی شانه‌های یکدیگر، جاپاهایی در فواصل مختلف درست کنیم تا این طوری بتوانیم از اینجا بالا برویم.» نفر بعدی کشیش است و همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود در حال معنوی ارائه می‌دهد. «بیایید همگی دست به دعا برداشته و از خداوند بخواهیم پاسخی بر مشکل ما بیابد.» بعد نوبت اقتصاددان می‌شود. او لحظه‌ای تأمل کرده و می‌گوید «یک نردبان را تصدیق کنید.» اساتید اقتصاد خرد بیهوده تلاش کردند تا ذهن من را پر از نمودارهای اولویت و خطوط منحنی روی نمودارها براساس فرضیاتی در مورد رفتار انسان (اطلاعات کامل، عدم وجود تبلیغات و غیره) کنند که از نظر آن‌ها غیر واقعی بودند. با این حال، آن‌ها توصیه به ادامه کار کردند (به تقلید از میلتون فریدمن) «آن‌چنان‌که گویی» آن‌ها واقعی بودند. مطمئناً من به دنبال چنین چیزی نبودم و چندان در این رشته دوام نیاوردم. نمی‌خواستم چیزی را در مورد رفتار انسان فرض کنم، بلکه می‌خواستم بدانم انسان‌ها درواقع چگونه در دنیای واقعی فکر می‌کنند و چرا.

با وجود آن‌که هیچ دوره‌ای در زمینه روانشناسی سیاسی وجود نداشت، گروه علوم سیاسی

دانشگاه شفیلد تحصیلات دوره عالی کارشناسی را برای من فراهم کرد. آنتونی آربلاستر^۱، نظریه پرداز برجسته سیاسی، آزمایشات شوک الکتریکی استنلی میلگرام^۲ و کتاب هانا آرنست^۳ در مورد ابتذال شرارت با عنوان آیشمن در اورشلیم^۴ را به من معرفی کرد که هر دو اثر در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند و همچنان برای من جذابیت دارند. در همان زمان، در اولین سال تحصیلی واحدهایی را در گروه روانشناسی گذراندم، اما آنچه به من آموزش دادند مدت زمان زیادی در خاطرم نماند. آن‌ها بیشتر علاقه‌مند به مشاهده رفتار آموخته شده موش‌های آزمایشگاهی، نوشتن برنامه‌های تحقیقاتی بی‌پایان و صحبت در مورد ساختار مغز بودند. جالب است که بعدها متوجه شدم این موارد تا چه حد در درک رفتار سیاسی اهمیت دارند، اما در عین حال خود را از این برکت متمایز و اشتباه جدا کردم که روانشناسی و علوم سیاسی رشته‌های بی‌ربطی هستند که اطلاعات چندانی در اختیار یکدیگر نمی‌گذارند. در سال دوم، مجبور بودم بین روانشناسی و سیاست یکی را انتخاب کنم که متوجه شدم در سیاست، به مطالعه تجربی، رفتار انتخاباتی، نه صرفاً براساس فرضیات در مورد نحوه رأی دادن افراد یا اینکه چگونه باید این کار را انجام دهند، پرداخته می‌شود، از این رو به رشته روانشناسی آن زمان برای من مسیر نویدبخش‌تری به نظر می‌رسید.

زمانی که برای نخستین بار در حدود بیست سالگی به ایالات متحده آمدم به تدریج متوجه شدم که رشته‌ای که در این کتاب مطرح شده واقعاً وجود دارد. محل‌عالی دیگری را برای مطالعه انتخاب کردم. گروه علوم سیاسی در نیوک پیتسبورگ، محلی که شبیه دانشگاه شفیلد بود یکی از بزرگترین حسرت‌های دوران دانشجویی من است. هیچ‌گاه فرصت نیافتم که با مرحوم هربرت سایمون^۵، روان‌شناس برجسته، از دانشگاه کارنگی ملون^۶ کلاسی را بگذرانم، زیرا در آن صورت بسیار زودتر به این مطلب می‌رسیدم. به عنوان دانشجوی دانشگاه پیتسبورگ می‌توانستم در درس دانشگاه کارنگی ملون (که فاصله چندانی با دانشگاه پیتسبورگ ندارد) نیز ثبت نام کنم، اما سایمون شخصیتی افسانه‌ای در رشته‌های مختلف دانشگاهی محسوب می‌شد و ظرفیت کلاس‌های او همیشه تکمیل بود. با خوش‌شانسی توانستم در کلاس درس سیاست جمعی «جان هرویتز^۷ شرکت کنم که علاقه من به روانشناسی رفتار جمعی و علاقه اولیه من به نحوه فکر و رفتار نخبگان را بیشتر کرد.

جالب است که در یکی از آخرین دروسی که به عنوان دانشجوی گذراندم بلاخره متوجه این موضوع شدم و کمی دیر به سنت‌های شکل‌دهنده ساختار این کتاب پی بردم. روان‌شناسان برایان ریپلی^۸ - که بعدها دوست بسیار خوب و نویسنده همکار من شد- درسی در پیتسبورگ به نام «فرهنگ و شناخت در سیاست خارجی» را تدریس می‌کرد. در ابتدا نمی‌دانستم که این عنوان چه معنایی دارد، اما پس از صحبت با برایان تصمیم گرفتم با آن درس آشنا شوم. برایان بهترین معلمی است که تا به حال شناختم. او با مهارت موضوع تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را به من معرفی

1. Anthony Arblaster 2. Stanley Milgram 3. Hannah Arendt
4. Eichmann in Jerusalem 5. Herbert Simon 6. Carnegie Mellon University
7. Jon Hurwitz 8. Brian Ripley

کرد که در بیشتر آن - در کمال خرسندی - از نظریه‌های روان‌شناسی شناختی و اجتماعی برای تبیین تصمیم‌گیری استفاده می‌شد. با تأمل بیشتر در این موضوع متوجه شدم که این همان سنتی بود که سال‌ها به دنبال آن می‌گشتم؛ سنتی که نه تنها هربرت سایمون، بلکه سایر بزرگان این حوزه از جمله الکساندر جورج^۱، رابرت جرویس^۲، آل هالستی^۳، ند لبو^۴ و سایرین از آن بهره می‌بردند. رساله دکترای خود را در مورد موضوع قیاس منطقی در سیاست داخلی و خارجی و بعدها کتابی در مورد تصمیم‌گیری در دوران بحران گروگان‌گیری ایران از این منظر نوشتم و حدود ده‌سالی است که مقالاتی در این مورد و سایر موضوعات منتشر کرده‌ام. آگاهانه تلاش کرده‌ام از نظرات ناپخته در این کتاب استفاده نکنم.

در حالی که چند کتاب عالی اخیراً منتشر شده‌اند که دانشجویان را با روان‌شناسی سیاسی آشنا می‌کنند، هیچ یک از آن‌ها، [درباره] آن‌چه می‌خواهم به دانشجویان دوره کارشناسی خود یاد بدهم نیستند. این رساله سال‌ها قبل درک است، زیرا روان‌شناسی سیاسی رشته کاملاً منحصر به فرد و متمایزی محسوب می‌شود و اساتید مختلف آن را به شیوه‌های گوناگونی تدریس می‌کنند. این کتاب را به همان دلیلی نوشتم تا سیرری از اساتید کتاب می‌نویسند، یعنی توانستم کتابی پیدا کنم که تمام موضوعاتی که می‌خواستم مورد آن‌ها بحث کنم را در یک جلد آورده باشد. به ویژه می‌خواستم کتابی بنویسم که «روان‌شناسی سیاسی» را به طور کلی تعریف کند تا آثار روان‌شناسان و محققانی که - در مورد موضوعات صرفاً سیاسی مطلبی می‌نویسند - و خود را روان‌شناسان «سیاسی» تلقی نمی‌کنند نیز در آن منعقد؛ (ب) حق مطلب در مورد سنت‌های موقعیت‌گرایی و خلق‌گرایی در روان‌شناسی بیان شود؛ (ج) مباحثی مقدماتی داشته باشد که به دقت دسته‌بندی شده و برای تدریس مناسب باشد. در نتیجه این کتاب را نوشتم. امیدوارم که این کتاب این اهداف و اهداف دیگری را دنبال نماید یا حداقل به دیدگری را که دروسی تحت عنوان «روان‌شناسی سیاسی» تدریس می‌کنند را متقاعد کند که چه اندازه در مورد موضوعات این کتاب صحبت کنند که معمولاً در مورد آن‌ها صحبتی نمی‌شود. همچنین امیدوارم این کتاب مقدمه‌ای باشد برای افرادی که تخصص آن‌ها رفتارهای سیاسی جمعی نظیر [نظریات] انتخاباتی است و برای افرادی که به بررسی [نقش] رهبران و نخبگان در محیط روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌پردازند. معمولاً این دو رهیافت در روان‌شناسی سیاسی به طور جدائیه مطرح شده‌اند، اما امیدوارم این کتاب مورد پسند متخصصان هر دو رهیافت قرار گیرد.

افراد گوناگونی در نوشتن این کتاب من را یاری کردند که به خصوص از کمک آنا کارول، مایکل کرنز، سارا فیلیپس و الیزابت رنر در راتلج تشکر می‌کنم. مایکل من را تشویق کرد تا این پروژه را که فقط در حد یک ایده اولیه مطرح شده در ایمیل بود، را دنبال کنم و ویرایش حرفه‌ای آن و الیزابت تا حد زیادی باعث بهبود کیفیت زیاد این اثر گردید. منتقدان ناشناس مختلفی نیز نظرات بسیار سودمندی ارائه دادند که در این کتاب از آن‌ها استفاده شده است. مارکو ایاکوبونی از دانشگاه کالیفرنیا و جف

بدول از دانشگاه مرکزی فلوریدا، هردو، کمک فراوانی در ایده‌های مطرح‌شده در فصل ۱۱ در مورد عصب‌شناسی نمودند که موضوعی بود که برای خود من نیز تا زمان دریافت مدرک دکترای تازگی داشت. این موضوع برای بسیاری از روان‌شناسان سیاسی موضوع جذابی محسوب می‌شود. جف لطف کرد و پیش‌نویس آن فصل را خواند و با حوصله برداشت‌های اشتباه‌ام را اصلاح نمود. دیوید پرل از دانشگاه دولتی واشنگتن نیز علاقه من به موضوع عصب‌شناسی را برانگیخت و از او متشکرم که برخی از روش‌های بسیار جدیدی که امروزه به دانشجویان روان‌شناسی سیاسی تدریس می‌شود را به من معرفی کرد. استفن دایسون که قبلاً دانشجوی من در دانشگاه اسکس و اکنون استادیار دانشگاه کانکتیکات است نیز با توجه به آخرین تحقیقات صورت گرفته در مورد تحلیل کد عملیاتی، مرا ترغیب کرد. طلبی در مورد آن بنویسم که از او نیز متشکرم.

هنگام نوشتن این کتاب، سعی کردم پیش‌نویس بیشتر فصول را با دانشجویانم در درس روان‌شناسی سیاسی دانشگاه مرکزی فلوریدا به بحث بگذارم. از تمام دانشجویانی که در آن کلاس‌ها به مثلاً از ماه‌های برای بررسی ایده‌ها و تلاش‌های اولیه من بودند تشکر می‌کنم. تشکر ویژه‌ای دارم از دانشجویان من در تمام مدت نظرات خود را ارائه دادند و مرا راهنمایی و تشویق کردند، حتی اگر در حد اشاره‌ها و شوشتاری یا اسامی برنامه‌های تلویزیونی‌ای بوده است که در مورد آن‌ها اشتباه کردم! همچنین به خصوص (به ترتیب الفبا) از دالاس اندورسون، فردریک ایر، برندون بایرن، مایکل کارانو، تراه سر، لری، لیزی فیتزپاتریک، هگی فاندورا، دیل گرینستین، پاتریک هاینز، کندی کلامپر، بنت لاس، دیوید مگنر، جنیو ناپولیتانو و کیمبرلی سویت تشکر می‌کنم. مطمئنم همگی آن‌ها در زندگی خود همان کارهای بزرگی انجام می‌دهند.

این کتاب، مانند کتاب‌های پیشین، بدون محبت و شوق دائمی پدر و مادرم امکان‌پذیر نبود. همچنین بدون حمایت مالی آن‌ها نمی‌توانستم به تحصیلات خود ادامه دهم و از آن‌ها نیز بسیار متشکرم. پس از پایان کتاب می‌توانم وقت بیشتری را در کنار خانواده سپری کنم، زیرا در زمانی که در اتاق بسته‌ای پشت کامپیوتر نشسته‌اید، چندان توجهی به دیگران ندارید. من از همسر خود انابل، دخترم ایزابل و پسرم کارلوس به خاطر محبت و صبر آن‌ها تشکر می‌کنم. به خصوص از انابل تشکر می‌کنم که بچه‌ها را در بیرون از خانه سرگرم می‌کرد تا من بتوانم در خانه به کار نوشتن خود بپردازم. امیدوارم از این پس پدر بهتری برای آن‌ها باشم.

اورلاندو، فلوریدا

آوریل ۲۰۰۹